

ماجرای خشم فتحعلی شاه

ویژگی:

قصه قنات
حاج علیرضا و کشف
تاریخ آب انبارهای
محله

موضوع:

قنات‌ها و
آب انبارها

اودلاجان محله قنات‌ها و آب انبارهاست. کاشی‌های لاجوردی و چشم‌نواز آب انبار خانه اردیبهشت در اودلاجان تاریخ این آب انبارها را به دوره صفویه و زندیه و گاه بیشتر نسبت می‌دهد.

در جدیدترین کاوش‌های تاریخی تهران، کاشی‌های کوچک و خوش‌رنگی در آب انبار خانه اردیبهشت در اودلاجان کشف شد که نشان می‌دهد قدمت این آب انبارها به دوره‌های زندیه و گاه صفویه برمی‌گردد. آب آشامیدنی اودلاجان از ۳ قنات معروف حاج علیرضا، قنات شاه و قنات مهر گرد تأمین می‌شد. در زمان تغییرات تهران در دوره قاجار



قنات‌های بهارستان، نظامیه، سردار و الهیه نیز مقداری از آب این محله را تأمین می‌کردند. سرچشمه و مظهر بیشتر این قنات‌ها در دو گوشه اودلاجان یعنی سرچشمه بالا در شرق محله اودلاجان و سرچشمه پایین در غرب اودلاجان قرار داشت.

میان قنات‌های اودلاجان قنات حاج علیرضا بسیار معروف است. دارپوش شهپازی، تهران‌پژوه در این باره می‌گوید: «حاج علیرضا ۲۰۰ سال پیش این قنات را در اودلاجان ساخت. او فرزند حاج ابراهیم، نخستین صدر اعظم سلسله قاجاریه بود؛ کسی که آخرین صدر اعظمی زندیه را به عهده داشت و موجب انتقال قدرت از زندیه به قاجاریه شد. آغامحمدخان و بعد فتحعلی شاه از قدرت او و اهمه داشتند. در نهایت فتحعلی شاه از بیم قدرت حاج ابراهیم او و خاندانش را می‌کشد و در این میان به دو طفل خردسالش علیرضا و علی اکبر رحم می‌کند و هر دو زنده می‌مانند. این اطفال به‌عنوان خواجه به حرم‌خانه فتحعلی شاه راه یافتند. علیرضا، مردی خیرخواه و باایمان بود. قناتی در اودلاجان ساخت.

این قنات مثل یک سد برای تهرانی‌ها کار می‌کرد و بسیار بارز بود. سرچشمه و مادر چاه قنات حاج علیرضا از ضلع شمالی فرهنگسرای اندیشه آغاز می‌شود. عمق آن ۸۰ متر و طول آن بیش از ۹ کیلومتر است.» خانه‌های تاریخی اودلاجان با آب انبارهایشان معروف هستند؛ آب انبارهایی که اغلب به‌دست افراد خیر ساخته می‌شود، همچون آب انبار میرزا محمود، نواب، باغ پسته بیک و... که بعد از ساخت خیابان بوذرجمهری از اودلاجان جدا شد و در محله چال میدان قرار گرفت.



موضوع:
میدان‌های
تاریخی محله

ویژگی:
محل
دادوستد و
تعاملات اقتصادی
و اجتماعی



سرچنیک؛ جمعه بازار معروف تهران قدیم

قدیمی‌های اودلاجان به خوبی به یاد دارند که این دو میدان از معروف‌ترین محل‌های دادوستد در محله بودند. طوبایی می‌گوید: «سرچنیک بزرگ در شرق اودلاجان (جنوب محله سادات) و سرچنیک کوچک در جنوب میدان سرچنیک بزرگ و در شرق کوچه کلیمی‌ها قرار داشت. جمعه‌ها یک بازار محلی بزرگ در این میدان‌ها شکل می‌گرفت؛ چیزی شبیه جمعه‌بازارهای امروزی. گاری‌های طوافی دور تادور میدان دیده می‌شد. از آنجا که به محله کلیمی‌ها هم نزدیک بود اغلب دوره‌گردهای کلیمی هم آنجا می‌آمدند.» طوبایی در ادامه می‌گوید: «دادوستد در اودلاجان بسیار پررونق بود. به واسطه نزدیکی به بازار تهران و کاروانسرای که در اطرافش قرار داشت مشاغل متعددی هم در آن شکل گرفته بود از جمله

سرچنیک، سرچنیک یا سرچنیک نام دو میدان معروف محله اودلاجان بود که به‌عنوان مرکز اصلی دادوستد محله اهمیت خاصی داشت.

مسعود نوربخش در کتاب «تهران به روایت تاریخ» از این میدان به نام سرچنیک نام می‌برد. رحیم طوبایی، از معتمدین محله اودلاجان که سال‌هاست کلیددار بقعه پیرعقاست می‌گوید: «دلیل اینکه چرا این میدان‌ها بانام سرچنیک یا سرچنیک معروف بودند معلوم نیست. قدیمی‌ها می‌گفتند این کلمه از چنک زدن به معنی چمباتمه‌زدن نشأت گرفته است. از طرفی هم چون این میدان‌ها در گوشه‌ای از محله بودند ممکن است به این نام مشهور شده باشند اما بعضی‌ها می‌گویند این چنک نام روستایی در قدیم بود.» اگرچه نام دقیق این میدان و علت نامگذاری‌اش مشخص نیست ولی

ساخت حمام زیبای تاریخی با وصیت یک زن

کشید. پس از ساخت این گرمابه در مجاورت بیمارستان دکتر سپهری، قسمت زنانه آن به «کشوریه» و قسمت مردانه به «سلیمانیه» نامگذاری شد. حمام ممتاز، حمام بی نظیر و حمام محله، نام‌های دیگر این گرمابه بودند که از چند جهت خاص بود. همچنین این حمام نخستین گرمابه دوش‌دار آن زمان بود و سیستم آب لوله‌کشی داشت که با نفت سیاه و گازوئیل گرم می‌شد. ورودی گرمابه که در ۴ لنگه چوبی و منبت‌کاری شده بود، در خیابان سیروس قدیم (مصطفی خمینی فعلی) قرار داشت. این گرمابه عمومی تا سال ۱۳۵۹ فعال بود، اما مدتی به‌خاطر فوت سلیمان تعطیل شد. از آنجا که او فرزند نداشت، پسرخاله‌اش «شکرالله‌خان» برای مدتی اداره آنجا را بر عهده گرفت تا اینکه به آمریکا مهاجرت کرد و اداره گرمابه به‌دست «اسحاق‌خان» شاگرد سلیمان افتاد. اواخر سال ۱۳۶۰ هم به‌دلیل ریزش چاه فاضلاب، حمام دوباره غیرفعال شد تا اینکه به همت جمعی از خیران مرمت و اداره آن به شخصی به نام «نورالله درخشان» واگذار شد. این رویه تا اوایل دهه ۸۰ ادامه داشت تا اینکه برای همیشه تعطیل شد و سال ۱۳۹۸ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید.» علاوه بر این حمام معروف، اودلاجان، سرچشمه پایین، حمام خراب و... از دیگر حمام‌های این محله بودند.



موضوع:
حمام‌های
محله

ویژگی:
ثبت حمام
کشوریه در
فهرست آثار
ملی

۸۲ سال قبل، وصیت زنی آریستن بعد از مرگش باعث ساخت زیباترین حمام مدرن و تاریخی تهران تا آن زمان شد. سال ۱۳۲۱ «سلیمان سنه» بعد از مراسم خاکسپاری همسرش «کشور خداد» در بهشتیه تهران خطاب به افراد حاضر می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین خواسته‌های همسر مرحوم ساخت یک حمام مدرن در محله سرچال بود. لذا فرصتی است که از عموم پیشکسوتان تقاضا کنم که دست در دست من نهند تا بتوانیم در محله، حمامی مدرن که شایسته جامعه باشد بسازیم، از این رو بنده آمادگی آن را دارم که مبلغ ۵۰ هزار تومان از سرمایه اولیه آن را تأمین کنم. ضمناً هر کس به فراخور می‌تواند در این امر خیر سهیم باشد.» علیرضا زمانی، تهران‌پژوه درباره هویت تاریخی این حمام قدیمی می‌گوید: «سلیمان سنه» آن روز از علت سقط جنین و فوت همسرش پرده برداشت و گفت که کشورخان به‌دلیل شلوغی حمام و سر و صدایی که حمام‌دار کرده بود ابتدا بچه‌اش سقط شد و بعد هم خودش از دنیا رفت. سلیمان از تجار قدیمی تهران بود و صرافتی داشت، اما در تأمین هزینه‌های این گرمابه که می‌خواست در نوع خود بی‌نظیر باشد، دچار سختی شد، به گونه‌ای که ۱۸۰ هزار تومان از بخش خصوصی وام گرفت. ساخت این گرمابه سال ۱۳۲۲ شروع شد و ۴ سال طول



«سلیمان سنه» همسر «کشور خداد»

